

آمیولانس

چاق ولاغر



پوریا عالمی

● طبق معمول مجلس دست‌ر‌ده‌سینه‌وزیر پیشنهادی حسن روحانی زد که ما هم خسته شدیم از پس بهش پرداختیم، یکی دیگر هدیه را باز نکرده پس می‌فرستد یکی دیگر دست رد می‌زند به سینه یکی دیگر، این وسط نه‌تنها سر ما بی‌کلاه مانده که کلاه‌مان را هم یاد برده و یک کلاه هم رفته سمران و حالا ما کلاهی را که رفته سمران دودستی چسبیدیم با اینکه می‌دانیم این کلاه برای سر هر کسی گشاد است. اما کاجی به از هیچی و کلاه به از بی‌کلاهی.

حالا از این حرف‌ها بگذریم برایتان یک چیز جدید تعریف کنم. در آخرین خبر تولید داخل، رئیس اداره سرطان وزارت بهداشت گفت: متأسفانه ۵۰درصد جمعیت ما دچار اضافه‌وزن هستند و ۱۰درصد نیز سیگار یا قلیان مصرف‌می‌کنند.

خیلی خوب است که رییس اداره سرطان وزارت بهداشت گفته متأسفانه ۵۰درصد جمعیت ایران چاق هستند الان از چپ‌وراست و بالاوپایین و توووبرون خرجنگ سرطان در حال نفوذ است، بعد رییس اداره سرطان می‌گوید مردم چاقند. یعنی اگر مردم لاغر بودند سرطانی نمی‌گرفتند؟ الان ما لاغریم مریض نمی‌شویم؟ عزیز من، ما لاغریم، لایعقل که نیستیم.

به همین مناسبت به طرف گفتند در را ببند بیرون سرد است. گفت یعنی من در را ببندم بیرون گرم می‌شود؟ آقای احمدی‌نژاد هم‌همین‌طور بود. می‌گفتند چرا تورم زده بالا؟ چرا گران شده همه‌چیز؟ چرا سیاست خارجی زده بیرون؟ می‌گفت: حال خانواده چطور است؟ ورزش برای سلامتی مفید است.

مثل اینکه از یکی بررسی دودوتا، چندتا می‌شود. به‌جای جواب بگوید بله و با هم ازدواج کنید. نمی‌شود که الان هم رییس اداره سرطان برگشته گفته ما چاقیم. اولاً چه عیبی دارد؟ چاق‌ها مهربان هستند. بعد هم اینکه چون چاقند سرطان می‌گیرند؟ این هم حرف هست؟ یکبار ما رفتم میهمانی از دا دعوت کردند بیاییم وسط. منتها ما قبول نکردیم چون گفتیم زمین کج است. فرمودند کجی زمین چه ربطی دارد به قناسی بدن شما؟ خیلی عجیب است. سرطان اداره دارد ولی جلوش را نمی‌توانند بگیرند. خیلی چیزها اداره هم ندارد ولی جلوش گرفته شده به‌نظر ما مشکل همین اداره است. ما پیشنهاد می‌کنیم اداره سرطان را ببندند و بگذارند به‌صورت خودجوش باهاش برخورد شود.

این بود آمبولانس امروز. خنا را چه دیدید، با این حجم سرطان، اگر سرطان تا فردا کار ما را نساخت، فردا هم با هم یک دور دیگر با آمبولاس می‌زنیم.

همین حوالی

پیشکش به شما



اندیشه فولادوند

نه خیال فتح کیبورد و هوای خواب دارم/ پس این فضای سنگین هوس کتاب دارم
میان این‌همه خبر که بندن و این‌روزها که درهای مجازی و حقیقی انگار بر لولای مرگ، این مطلق سرگردان، می‌چرخند. یک عنوان، حواسم را پرت خلوتی مطبوع با خویش و خیال و فهم می‌کند. خوشا که نام این هفته کتاب است. «کتاب» این مأمن خلومش و شریف.

هوس کرده‌ام هوسناک‌بودن منظره کتابخانه‌ام را، کتابخانه‌تان را، کتابفروشی‌ها را، کتاب‌خریدن‌های گذشته را، و شاید اکنون را، بوی کاغذ را و لمس حجم فهم را در قواره یک کتاب خوب و معتبر به رخ این روزگار سراسر مجاز و محفوظات مجازی بکشم که فهم‌ها و سوادها و اگر تحلیلی مانده باشد تحلیل‌ها را دارد در عمق یک بندگانشتی فضای اینترنتی محصور می‌کند و نمی‌گذارد مغز به قعر آنچه می‌کاود بخزد.

رفقا، همشهریان، همسرزمینان، همزبانان... ای آدم‌ها! بیایید همین یک هفته، لااقل در همین هفت‌روز با یاد ارواح و جان‌های آگاه و علامه‌های دهر روزگاران که زیستشان به میمنت چنین عنوانی بر این هفته، مبارک باد بسر داد دوباره کتاب بخیریم یا اجاره کنیم یا به امانت بگیریم، بخوانیم و به شیوه دلچسب و عمیق روزگار بزرگان، یادداشت برداریم، مطلب را با منابع تطبیق دهیم و برای هر سوال ذهنی و عینی به یک کلیک کوچولو در مرورگرهای اینترنتی بسنده نکنیم و فهمیم‌را به انگشت‌دانه تیرهای پاسخ‌نمای ارضاء نکنده، تقلیل ندهیم. کتاب و کتابخوانی حالمان را بهتر از اوضاع اکنونمان خواهد کرد. قول می‌دهم.

وای و هزار افسوس بر سرزمین رودکی و نظامی و بیدل و فردوسی و خیام که سرانه مطالعه در آن چنین اندک و ناچیز است. ما وارثان خلفی برای نیاکتمان نبودیم. امروز چهارشنبه بیست‌وششم آبان در ساعت چهار پس از نیمروز در شهر کتاب بوستان میدان پونک که در مجتمع تجاری بوستان واقع شده، هشتم تا شغری بخوانم، کتابی بخرم و کتابی بفروشم، اختیار امانت‌دادن کتاب‌ها، اما با من نیست که کتابخانه کوچک شخصی‌ام پیشکش به شما.
اگر امروز مجال دیدار دست داد، مفصل گپ خواهیم زد، جای خواهیم نوشید و شعر خواهیم خواند. امروز میزبان شما هستم در آن نشانی. باقی بقیاتان

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۸ آبان ۱۳۹۳ • ۲۵ محرم ۱۴۳۶ • ۱۹ نوامبر ۲۰۱۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۶۶ • ۱۶صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۱۵ • اذان صبح فردا ۵:۱۷ • طلوع آفتاب ۶:۴۵

روزنفر۱۴

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



علی جهانشاهی

هند جای ایران را در بازار جهانی فرش گرفت



محرم گردی- قسمت پایانی

تنها غریب‌خوانی تهران در اربعین



احمد مسجدجامعی

پرسیدم که سراینده این اشعار، شاعر خاصی است؟ که در جواب گفت این شعرها را خودم از نسخ مختلف موجود انتخاب و روی آن کار می‌کنم. همان‌طور که گفته شد از گذشته انتخاب شعر و اینکه اشعار در چه دستگاهی خوانده شوند، از کارهای معین‌البکاء بوده که آقای فرخ‌رو به‌نحوحسن آن را انجام می‌دهد. هرکدام از بجهایی که در بالا نامشان ذکر شد، شعر مربوط به نقش خود را با صدای زیبا و رسایی می‌خواندند و هرکدام این اشعار را با ریتم و آهنگ متفاوتی که برای هر یک از نقش‌ها مشخص شده بود، اجرا می‌کردند که بسیار تأثیر گذار بود. علاوه‌بر اینها معلوم‌بود خسروشم‌ر در انتخاب هریک از افراد گروه برای بازی‌کردن نقش‌ها، قیافه و ظاهر آنها را مدنظر قرار داده است تا مردم هرچه‌بیشتر با آنها و نقشان احساس نزدیکی کنند.

بعد از خسته نباشید و تشکر از زحمات گروه از آقای فرخ‌رو درباره برنامه گروه در ایام این ماه یعنی محرم پرسیدم. او در جواب گفت که در دهه اول ماه محرم به‌غیر از مراسم روز عاشورا، پنج‌بش نیز برنامه داریم که از شب‌هفتم شروع و تا شام‌غریبان ادامه دارد. شب اول تعزیه حضرت‌مسلمین(عقیل(ع)، شب دوم حضرت‌علی(کبر(ع)، شب سوم (شب تانسوعا) حضرت‌ابوالفضل‌العباس(ع)، شب عاشورا تعزیه حرب‌ن‌زید ریاحی و شب شام‌غریبان نیز تعزیه بازار شام اجرا می‌شود. در روز عاشورا نیز تعزیه جلو نقش حضرت‌ابوالفضل(ع بازی می‌کند، شعرعباس و شعر مقابل نقش حضرت‌علی‌اکبر، شعرعلی‌اکبر است. شعر حاضر در روز عاشورا، شعر عاشورا و شعر حاضر در بازار شام، شعر بازار شام نام دارد.

آخرین نفری که به ما معرفی شد، سیدمحمد اطهری بود. خسروشم‌ر او را آلسید صدا می‌زد. او علاوه بر نقش‌هایی که داشت، مدیر روابط‌عمومی حسینی‌نیز بود و بجه فعالی به‌نظر می‌رسید.
آنطور که گفته شد او در صحنه‌های مختلف نقش‌های مختلفی را عهده‌دار بود. نقش اصلی او در بیشتر صحنه‌ها عمرن‌سعد بود. نقش عبدالله را نیز در چندجا عهده‌دار است. همچنین نقش حرم‌له را در روز عاشورا نیز بازی می‌کند. او خواند:

شمر ماف انقدر به خوش به‌ دوران / پندی اگر گویمت شنو ز دل و جان
شمر! زاده زهار مگر امام به‌حق نیست / از چه به رویش کشی تو خنجر بران

فکر کنی می‌کشی حسین‌علی را/ بر تو دهد او حکومت ری و حران،
نه آقا، نه...

بعد از حسین گندمی ز ری تو نیایی / بلکه بسوزد تنت به آتش نیران، به آتش نیران
نکته قابل‌توجهی که در این شعر بود، خطاب‌کردارن شمر توسط ابن‌سعد است، زیرا خود ابن‌سعد نیز به طمع همان گندم ری در این کارزار حضور داشت.
از خسروشم‌ر

شرق: علمای قم آن از حضور در کتابفروشی‌ها آن هم در روز پنج‌شنبه استقبال کرده‌اند.

همین‌طور مدیر انتشارات انصاریان قم، آقای محمدتقی انصاریان اعلام کرد: در تماسی که با آیت‌الله ابراهیم جناتی، آیت‌الله سیدمحمدجواد طباطبایی بروجردی، آیت‌الله سیدمحمدیثربی کاشانی و آیت‌الله سیدمحمدابن‌الرضا خوانساری داشنیم، ایشان ضمن استقبال از فراخوان اهل فرهنگ و اندیشه برای حضور

اتفاق

استقبال علما از حضور در کتابفروشی‌ها



در کتابفروشی‌ها، اعلام کرده‌اند که برای تشویق و ترغیب مردم برای کتابخوانی در کتابفروشی‌ها حضور

گزارش فردا

پنجشنبه پراتفاق کتاب و کتابفروشی

گیسو فقفوری



علمی دیگر در این مدت ارزیابی شده است. یکی از شرکت‌کنندگان در باغ میوه خود کتابخانه‌ای قرار داده است که علاقه‌مندان می‌توانند از میوه‌های باغ استفاده کنند. به‌رحال این برنامه تشکر از کسانی است که در این راه کار می‌کنند. سال‌های قبل «انجمن نویسندگان کودک و نوجوان» در یک طرح جالب، دارندگان کتابخانه‌های خانگی را شناسایی کردند و آنها‌یی هم که کارشان خلافتانه بود را انتخاب کردند. امسال هم البته این اتفاق قرار است بیفتد.

نیاز نشر دانشگاهی به کمک دولت

علی احمدی، مدیر نشر هزار گرامن حدود هشت‌سال است در زمینه نشر دانشگاهی فعالیت می‌کند و ۱۶ کتاب منتشر کرده است. او این‌روزها به‌همراه جمع دیگری از ناشران کتاب دانشگاهی در نمایشگاهی که رویه‌روی صلا بر گزار شده، شرکت کرده است. اما او گلایه‌ا را مطرح می‌کند که حرف بسیاری از ناشران شرکت‌کننده در این نمایشگاه است: «خرید کتاب‌های دانشگاهی با کمک و یارانه دولت ممکن می‌شد اما امسال اعتباری برای خریداری کتاب به دانشگاه‌ها اختصاص پیدا نکرده و همین سبب شده تا نمایشگاه کاملاً خلوت و بی‌رواق باشد.» او در این زمینه تأکید می‌کند: «پس از دوسال وقعه که سرانجام این نمایشگاه بر گزار شد، به‌نظر می‌رسید می‌توانیم فروش مناسبی داشته باشیم اما در طول این سه‌روز تنها ۲۰۰ هزار تومان فروش داشتیم و این یعنی ۴۰ هزار تومان سود که حتی هزینه رفت‌وآمد به نمایشگاه هم نمی‌شود.» پیش از ۲۰۰ ناشر در این نمایشگاه حضور داشته‌اند که اکنون به عدم استقبال دانش‌جویان، استادان و دانشگاه‌ها اعتراض دارند.

هفت موزه، هفت قصه

یکی از اتفاق‌هایی که می‌توان برای این پنجشنبه در نظر گرفت دیدار با نویسندگان کودک و نوجوان است؛ آن‌هم در موزه‌ها، دو کار خوب هم‌زمان. برنامه هفت موزه- هفت قصه با رویکرد ترویج خواندن و معرفی افسانه‌ها به‌عنوان نمادی از میراث شفاهی و ناملموس انجام می‌شود. شاید یکی از روزهای خوب آن، حضور فریده فرام‌نویسنده «میهمان‌های ناخوانده» بود. این برنامه در موزه‌های پست، ملی، کاخ گلستان، فرش، صلح، مقدم و باغ نگارستان توسط مربیان خلاق قصه‌گو و اعضای شورای کتاب کودک برگزار

شده و می‌شود.

نذر کتاب در راه دور

امسال هم قرار است برنامه نذر کتاب در تهران برگزار شود و هم به روستاهای نیازمندان و برخی زندان‌ها کتاب داده شود. این برنامه که کاملاً هم خودجوش بود حالا قرار است تا ۲۹ آبان‌ماه در دانشکده فنی – مهندسی واحد تهران جنوب برگزار شود. قبل‌تر این کار در مرکز شهر برگزار می‌شد و اکنون به جنوب شهر رفته است. این‌بار سهمی هم برای کودکان در نظر گرفته شده و قرار است برخی ناشران حوزه کودک هم کمکی به ماجرا کنند. طی این دوسال ۲۲ هزار جلد کتب ادبیای شهروندان، زمینه‌ساز تهیه و ساماندهی نیاز ۴۵ روستا و هفت سازمان مردم‌نهاد شده است.

اعضای شورای شهر در کتابفروشی‌ها

اعضای شورای اسلامی شهر تهران هم پنجشنبه ۲۹ آبان، به‌منظور حمایت‌از فرهنگ خرید کتاب و ترویج مطالعه مفید، کتابفروشی‌را تجربه می‌کنند. مهدی چمبران، رییس شورای اسلامی شهر تهران در این جلسه اعلام کرد به‌دلیل سفر به قم در یکی از کتابفروشی‌های شهر قم حاضر خواهد شد و هشت‌نفر از اعضای شورا آمادگی خود را برای حضور در برخی کتابفروشی‌ها اعلام کرده‌اند.

یادداشت

نان و کتاب

و دارای تجربه‌های ممتد و گوناگون، در میان گذاشتم، می‌گفتند: رایگان کردن نان، برای حاکمیت مشکل چندیانی ندارد و این اقدام بسیار مهم، با درنظرگرفتن ثمرات جنبی مثبتی که دارد، با هزینه‌گذاری نه‌چندان سنگین (و کاهش محسوس تضییع و مصرف و اسراف) کاملاً عملی است.

بنابراین حاکمیت- اگر بخواهد می‌تواند برای رایگان‌شدن نان و کتاب- به‌صورتی مناسب- هزینه‌گذاری کند ' و البته در این اقدام باید صادق باشد و باز مرکزی برای سوءاستفاده پدید نیاید.

و روشن است که مقصود از «نان» -در اینجا- چندگونه‌نان متعارف است، چنانکه مقصود از کتاب نیز- افزون‌بر «کتاب‌های درسی» - این دسته از کتاب‌هاست (نه مخطوطات نفیس و امثال آنها):

۱) کتاب‌های لازم دینی (برای عموم)

۲) کتاب‌های لازم سیاسی (برای عموم)

۳) کتاب‌های لازم اجتماعی و اخلاقی (برای عموم)

۴) کتاب‌های لازم تاریخی و انقلابی (برای عموم)

۵) کتاب‌های لازم ورزشی و نظامی و تعلیمات دفاعی و چریکی.

این کتاب‌ها باید- چنانکه گفته شد- برحسب سن، تحصیلات و شرایط محیطی مردم و توجه به نیازهای جامعه، به‌وسیله مولفانی واجد اهلیت‌های لازم، تنظیم و تدوین شود.

۱- اگر «فرهنگ‌بانی» چند داشته باشیم و «مسئولیت‌شناسی»...

۲- می‌توان، کار را از آمونی نیز آغاز کرد: با هفته‌ای یک‌روز، نان، در سراسر کشور، رایگان... یا در برخی (مناطق محروم)، رایگان.

۵) ترویج و تشویق -و بلکه تعلیم- بی‌امان کتابخوانی، با همه وسایل ممکن و در همه جاها و وقت‌ها میسر. باید برای تألیف مجموعه‌ای از کتاب‌های انسلسی و اسلامی، مجموعه‌ای کامل، زیبا، خوش چاپ، متناسب، ارجمند غنی، دارای نثری صحیح و روح‌پور و جاذبه‌دار... تلاشی اصولی و پیگیر و دامنه‌دار به عمل آید تلاشی که بی‌گمان به‌ثمررسیدن آن، نیازمند کمک طبقات بسیار است، از جمله کمک فراوان گروه‌هایی که یاد کردیم.

درباره رده‌بندی سنی و تحصیلاتی و محیطی این کتاب‌ها، باید کارهایی مفصل و دقیق و کارشناسانه انجام پذیرد. در مورد قیمت کتاب، باید گسترده‌ترین کوشش‌ها صورت یابد، تا کتاب به ارزان‌ترین قیمت در دسترس مردم- در همه‌جا- قرار گیرد. این هزینه‌های فراوان و اغلب ناآزم، بلکه گاه زیان‌آوری که دولت (در سفرها، سفره‌ها، بناها و...) از اموال و حقوق انسان محروم و ایستام مظلوم، خرج می‌کند، چرا مبالغی از آنها را به امور زیاده‌خواسته اختصاص نمی‌دهد؟ و اگر در برخی موارد هزینه‌گذاری می‌کند، چرا می‌گذارد در این امر مقدس، دزدی، رانت‌خواری و خیانتکاری شود؟ تا‌کی باید بگوییم

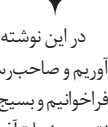
و بنوسیم و ناامید نشویم؟ البته رمز ناامیدشدن، امید به این و آن و چگونگی اداره کشور نیست، تکلیف اقتضا می‌کند که بگوییم.
اینجانب از سال‌های‌سال پیش از این، معتقد بودم که دوجیز باید در سراسر جامعه رایگان شود:

۱) نان

۲) کتاب

یعنی آنچه مایه قوام و برپایی و سلامت جسم مردم است و آنچه عامل عمده سلامت و قوام روح مردم و چون موضوع را بر برخی از اقتصاددانان شریف و متعهد

محمدرضا حکیمی



در این نوشته درصدد آنیم، که دو امر مهم را به یادها آوریم و صاحب‌رسالتان را، به تحقق بخشی به این دو امر فراخوانیم و بسپع کنیم، بدان امید که خیال‌پناه باشد و با نتیجه و خشناس‌ای برای انسان بی‌پناه، پس ای:

نویسندگان و صاحب‌قلمان!

شاعران و هنرمندان!

کارگردانان و فیلمسازان!

واعظان و تربیت‌گستران!

مربیان حوزه‌ای و مدرسان!

امروز اجتماع ما گرایشی درخور به کتاب و کتابخوانی ندارد؛ یعنی به گرسنگی روحی خود- به‌هیچ‌روی- پی نبرده و درصدد سیر کردن آن برنیامده است و به تحولی که در این بخش از حیات انسانی (کسب آگاهی و شناخت)، پیش آمده است، عطف توجهی نکرده است! از اینجا‌نظر خرویش را بیشتر به کتاب‌های انسانی و اسلامی معطوف می‌داریم. فرهنگ‌یگان مسوولیت‌شناس جامعه‌امروز، باید در پنج امر به‌گونه‌ای راستین و پیگیر کوشش کنند و در ایجاد مقتضی و رفع مانع آنها بکوشند:

۱) تهیه کتاب‌های خوب و مفید و خوشخوان، برای

گروه‌های مختلف سنی و فکری و اجتماعی.

۲) شناسایی و به‌کارگیری مولفانی که صلاحیت‌های

انجام کار دارند.

۳) عرضه کتاب در همه جامعه، حتی در میان کوهنشینان و صحرانگزان.

۴) قیمت‌گذاری هرچه ارزان‌تر روی کتاب و کوتاه‌کردن

دست‌گروهی تعهدناشناس، از این شغل مقدس.